



## پیشگفتار

### فهرست

۵	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۲۳	از تئاتر به سینما
۵۰	غیر منتظره
۶۵	رموز و سرچشمه‌های سینمایی
۸۷	تزدیکی دیالکتیک به شکل فیلم
۱۲۰	بعد چهارم سینمایی
۱۳۰	روشهای مونتاژ
۱۴۵	فصلی در نگارش
۱۷۹	زیان فیلم
۱۹۸	شکل فیلم : مشکلات جدید
۲۳۲	ساختمان فیلم
۲۶۶	موفقیت بزرگ
۲۸۷	دیکنز، گریفیث و سینمای امروز
۳۶۲	بیانیه
۳۶۶	یادداشت‌های کارگردان
۳۷۰	یادداشت‌هایی دربارهٔ مقالات



## پیشگفتار

هر فیلم باید به دفاع از سینما، به منزله هنر برخیزد. اعتبار سینما در این است که هنر اول جهانی است. نیروی تصویر بر اختلافهای زبانی چیره می‌شود. قدرت، همواره در مقابل آزادی ایستاده است و اساساً نمی‌خواهد که سینما از واقعیت رونوشت بردارد، بلکه در پی آن است که سینما را به قویترین مفسر دنیای غیرواقعی بدل کند، به چیزی تبدیل کند که به نظر می‌آید به واقعیت شباهت دارد، اما واقعیت به آن شباهتی ندارد.

آنچه که سینما هر سال بیشتر بر ما آشکار می‌کند این است که به‌رغم سنگین‌ترین مناقشه‌ها و سهمناکترین جنگها، همه افسانه‌ها در زیر یک آسمان پرستاره، در آرزوهای بزرگ و اساسی باهم توافق دارند.

اکنون که جوایز داده شده و جشنواره پایان یافته است من به نام همه شما یک نخل طلایی به این آسمان پرشکوه، به برادری ناپیدای زمین تقدیم می‌کنم که در آن آیزنشتاین و چاپلین با شما پیوند می‌یابند. این نخل را به انسانهایی تقدیم می‌کنم که شما آنها را یکی پس از دیگری تصویر می‌کنید. اگر رمان ما ناتوان می‌شود، اگر نقاشی ما افسانه را ترک گفته عجیب نیست، زیرا هیچ افسانه‌ای با سینما برابری نمی‌کند.<sup>۱</sup>

آندره مالرو

در قرن حاضر، فلاسفه و متفکرین بسیاری درباره سینما سخن گفته‌اند، هر کدام از دیدگاهی و از زاویه‌ای به این هنر بزرگ نگاه کرده‌اند. اما

---

۱. سخنان آندره مالرو (André Malraux) در مراسم اختتام جشنواره کان

(۱۹۶۱). زمانی که مالرو در کابینه ژنرال دوگل وزیر فرهنگ فرانسه بود.



نتیجه‌ای که به دست آمده تقریباً یکسان بوده است: همگی معتقدند که موضوع سینما، مطالعه زندگی ملل و تمامی بشریت است. ولی تولستوی می‌گوید:

«نه تنها توصیف کامل زندگی تمام بشریت، بلکه حتی ذکر زندگی يك ملت ناممکن به نظر می‌آید.»<sup>۲</sup>

البته وی این مأموریت را بر عهده تاریخ می‌گذارد:

«مورخین برای درک این چیزی که غیرممکن به نظر می‌آید، یعنی توصیف زندگی يك ملت، شیوه‌ای ساده به کار می‌گیرند. اینان به شرح کارهای کسانی می‌پردازند که بر آن ملت حکومت می‌کنند و چنین می‌پندارند که اعمال این افراد بیان‌کننده روح و روان ملت‌هاست.»<sup>۲</sup>

مبدأ تفکر تولستوی و فلاسفه‌ای چون او تاریخ است. او به ضعف تاریخ اشاره می‌کند و اندوخته‌های آن را ظالمانه و گاه غیرقابل اعتنا می‌داند اما به علم تاریخ جدید سخت ارادت می‌ورزد. اگر تولستوی امروز زنده بود چه اندیشه‌ای درباره سینما از ذهن پربار و توانگر او عبور می‌کرد؟

شاید زیباترین تعریف شاعرانه تعریفی است که مالرو به دست می‌دهد:

«سینما يك دریچه انسانی است که به باغهای سبز و آسمانهای آبی باز می‌شود.»<sup>۲</sup>

تلاش سینما در این بوده است که هرچقدر که می‌تواند صریح‌تر و بی‌پرده‌تر، تصویری از واقعیت ارائه دهد. سینما همواره سعی کرده است به نیرویی دست یابد که انسان را بیدارتر و هشیارتر کند. هانری لانگوا عقیده دارد که سینما هنر بی‌سوادان است، زیرا تمامی علائم خط و کتابت را پس می‌زند و هر ذهنی را هرچقدر هم ناپخته باشد، رها از قید علامتها، به تفکر وادار می‌کند، یعنی سینما هنر اندیشه است، هنری است که انسان را به اندیشیدن تشویق می‌کند. سنگهای غول‌آسای تردید از انفجار تصاویر فیلم به پایین می‌غلطند و انسانیت از اعماق تاریکی به دنیای نور وارد می‌شود، قد راست می‌کند و به چهره هم‌نوع

۲ و ۳. «جنگ و صلح»، کتاب دوم.

۴. سخنرانی مالرو در جشنواره کان.

۵. Henri Longlois. بنیان‌گذار سینما تك (Cinematheque) در فرانسه.

عوض لیخت می‌زند.

در هیچ‌یک از هنرها بین امکانات و واقعیت‌های آن اختلافی وجود ندارد اما در سینما این اختلافات به روشنی دیده می‌شود. فیلم به طور مستقیم بر بیننده اثر می‌گذارد، اشیاء و چیزهای محسوس دیگر را به او عرضه می‌کند و در سکوت و گاه تاریکی او را از جهان معمول در حقیقی روانی خود جدا می‌کند. این هنر، پیش از هر هنر دیگری قادر است بیننده را برانگیزد، تکان دهد و بیدار کند. اما بهتر از هر وسیله دیگر می‌تواند همان بیننده را وادار به سکوت کرده، او را خفه کند.

«پدیده‌ها بیشتر فیلم‌های امروز گویا دارند به این هدف دوم خدمت می‌کنند. اغلب فیلم‌های امروز در پهنای مسموم و خلثی اخلاقی گام برمی‌دارند. سینما وسیله‌ای عالی و از دیدگاهی دیگر خطرناک است. عالی است، اگر تفکری آزاد و روحی پویانده، آن را به کار گیرد و خطرناک است هنگامی که اندیشه‌های سخیف و پست در آن رسوخ می‌کند. کافیسست که سینما نور واقعی خود را بر پرده افکند تا دنیا غرق در آتش شود.»<sup>۶</sup>

اما به عقیده بسیاری نباید از این آتش‌افروزی نگران باشیم، زیرا اکنون در برخی از کشورهای جهان نور سینما بس کم‌سو است و در بند قرار دارد.

فکر سینما به نظر آیزنشتاین، از آغاز جهان وجود داشته است، تکراری قدیمی و ازلی است. تصاویر شگرف، از علائم هیروگلیف گرفته تا آثار فلورین، هایکوه‌های یامی، داستانهای دیکنز، سروده‌های خیمنز و کلام سزار سنگور به وفور دیده می‌شود. خلق این تصاویر سینمایی به هنرهای دیگر اعتبار بخشیده است، به ادبیات، نقاشی، و... در پنجاه سال اخیر بارها شاهد این اعتبار بوده‌ایم. کسانی چون سنگور بلندترین مکانها را برای آزادی اندیشه برپا داشته‌اند.

«... و من»

دستان سفیدی را که اسلحه‌ها را پر می‌کنند،

از یاد پر دم،

دستانی که شلاق را بر سیاهان فرود آورد،

دستانی که به صورت تو و بر چهره من سیلی زد،